

## ارسال بسته اصلاح قانون مبارزه با قاچاق



عضو هیات‌رئیسۀ اتاق بازرگانی ایران، از ارسال بسته پیشنهادی این اتاق برای اصلاح برخی مواد قانون مبارزه با

قاچاق کالا و ارز به دولت و مجلس خبر داد. کیوان کاشفی، عضو هیات‌رئیسۀ اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، با انتقاد از تعدد مقررات مربوط به تعهدات ارزی گفت: از سال ۱۳۹۷ که موضوع بازگشت ارز حاصل از صادرات به یک الزام تبدیل شد، مقررات متعددی در این زمینه تدوین و اقدامات مختلفی اجرا شده است که در مجموع، چرخه بازگشت ارز را دشوار کرده و به سیاست‌هایی ضدصادراتی تبدیل شده‌اند.

وی با اشاره به شرایط خاص کشور و ضرورت تسهیل فعالیت‌های تجاری اظهار کرد: امروز بیش از هر زمان دیگری باید رویکرد تسهیلگری در دستور کار قرار گیرد؛ چراکه در شرایط فعلی، اولویت اصلی، تأمین و حفظ موجودی کالا در کشور است و نباید با ایجاد محدودیت‌های غیرضروری، روند صادرات و واردات را با مشکل مواجه کرد.

کاشفی با تأکید بر ضرورت اصلاح ریشه‌ای برخی قوانین و مقررات افزود: بخشی از مشکلات موجود به مواد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و آیین‌نامه‌های مرتبط بازمی‌گردد که لازم است با رویکرد تسهیل صادرات مورد بازنگری قرار گیرند تا فعالان اقتصادی آزادی عمل بیشتری داشته باشند و زمینه رشد صادرات کشور فراهم شود.

عضو هیات‌رئیسۀ اتاق ایران ادامه داد: اتاق بازرگانی پیشنهادهای اصلاحی خود را در این زمینه آماده کرده و به هر دو قوه مجریه و مقننه ارائه داده است. پیگیری‌ها برای به نتیجه رسیدن این پیشنهادها در حال انجام است و انتظار داریم اصلاحات موردنیاز با سرعت بیشتری در دستور کار قرار گیرد.

### ■ برخورد قضایی با صادرکنندگان، راهکار رفع تعهدات ارزی نیست

وی در ادامه، برخورد با فعالان اقتصادی به دلیل عدم ایفای تعهدات ارزی را یکی دیگر از چالش‌های بخش خصوصی دانست و گفت: مدتی است قوه قضاییه نیز به این موضوع ورود کرده و برخوردهایی با فعالان اقتصادی در این زمینه صورت می‌گیرد؛ با این حال، اعتقاد ما این است که راه‌حل مسئله تعهدات ارزی، برخورد قضایی نیست، بلکه باید با تسهیل فرآیندها و اصلاح سیاست‌ها، زمینه بازگشت ارز به کشور را فراهم کرد.

کاشفی تأکید کرد: با ایجاد سازوکارهای مناسب و کاهش موانع پیش‌روی صادرکنندگان، می‌توان به‌مراتب آسان‌تر به هدف تأمین ارز موردنیاز کشور دست یافت. رویکرد مبتنی بر تسهیلگری، در مقایسه با برخوردهای قضایی، می‌تواند مسیر مؤثرتری برای حل این مسئله باشد.

وی با اشاره به بسته پیشنهادی اتاق ایران برای اصلاح مقررات و تسهیل تجارت خارجی اظهار کرد: امیدواریم با رایزنی‌های انجام‌شده در هر دو قوه مجریه و مقننه، این بسته در کوتاه‌ترین زمان ممکن به نتیجه برسد و شرایط برای فعالیت روان‌تر صادرکنندگان و واردکنندگان فراهم شود.

عضو هیات‌رئیسۀ اتاق ایران در پایان با تأکید بر ضرورت تضمین تأمین کالا از کشورهای مختلف گفت: هدف نهایی این است که با رفع موانع تجاری و ایجاد شرایط مناسب برای واردات و صادرات، تأمین کالاهای موردنیاز کشور با اطمینان بیشتری انجام شود و مردم از بابت بروز کمبود کالا نگرانی نداشته باشند.

## زمین بازی نظارت پولی تغییر کرد

# مسابقه رشد با خلق بدهی در خط پایان



## واکش سیاستی بانک مرکزی و اولویت تاب‌آوری

رشد افسارگسیخته بانک‌ها یعنی ورود جریان پول تازه به بازارهای مختلف کندتر می‌شود. این رویکرد انضباطی بی‌تردید به حفظ ارزش پول ملی یاری می‌رساند، گرچه ممکن است در کوتاه‌مدت فرآیند اخذ تسهیلات را برای بخش‌هایی از متقاضیان دشوارتر سازد. چارچوب واکنشی اعلام‌شده بر سه محور اصلی استوار است. محور اول بر اعمال محدودیت‌های مقداری بر رشد ترازنامه بانک‌ها متمرکز است؛ به این معنا که بانک مرکزی سقف مشخص و غیرقابل عبوری برای انبساط دفاتر مالی تعیین می‌کند و هر بانکی از این مرز عبور کند، ملزم به توقف فوری پرداخت تسهیلات تازه خواهد بود.

## کشمکش نقدینگی و تولید

قالب تسهیلات و سرمایه‌گذاری تخصصی می‌دهد. هرگاه گسترش این چرخه از آستانه ظرفیت مالی و سرمایه‌ای بانک فراتر رود، حاصل آن جز رشد لگام‌گسیخته اعتبارات و جهش نقدینگی نخواهد بود. نقطه آغاز بحران زمانی است که یک مؤسسه اعتباری برای جریان شکاف منابع و مصارف خود، بقای روزمره‌اش را به بازار بین‌بانکی یا استقراض از بانک مرکزی گره می‌زند. در چنین بزنگاهی، بزرگ‌تر شدن حجم ترازنامه هرگز نشانه موفقیت تجاری نیست، بلکه علامت واضحی از فورو رفتن در گرداب ناترازی و اعتیاد به منابع کوتاه‌مدت پریسک است. از این رو، فلسفه کنترل ترازنامه را می‌توان در سه هدف پیوسته خلاصه کرد: مهار رشد نقدینگی، صیانت از سلامت شبکه بانکی و سد کردن مسیر رشد نامتوازن دارایی‌ها و بدهی‌ها.

■ **از کنترل دارایی‌ها تا کنترل بدهی‌ها**  
بزرگ‌ترین تحول ساختاری در پاییز ۱۴۰۴ با تصویب و ابلاغ اصلاحیه ضوابط ناظر بر کنترل مقداری ترازنامه رخ داد؛ جایی که مقررات قدیمی

## همه بانک‌ها یک سقف رشد ندارند

توقف تسهیلات، بلکه ساختاری برای مدیریت کیفیت تعهدات به شمار می‌رود.

■ **از ابلاغ سقف تا پایش سامانه‌ای**  
کارآمدی این ضوابط به این وابسته است که نظارت از یک فرآیند ایستا و مبتنی بر بازرسی‌های گذشته‌نگر به یک پایش برخط و داده‌محور تبدیل شود. پیاده‌سازی سامانه یکپارچه نظارت (سین) با همین کارکرد عملیاتی شده است تا فاصله میان ابلاغ بخشنامه تا اجرای آن به صفر میل کند. دریافت مستمر داده‌ها، مقایسه لحظه‌ای با حدود مقرر و امکان اقدام پیشگیرانه، بستری شفاف فراهم می‌سازد که البته لازمه پایداری آن، شفافیت در نحوه محاسبه اوزان شاخص‌ها و حق بازنگری برای شبکه بانکی است.

■ **تکلیف قانونی، ضمانت اجرا و پایان تساهل**  
بانک ناتراز به دلیل فقر سرمایه و انجماد منابع، اگر محدود نشود، هر

نظام بانکی کشور طی دهه‌های گذشته همواره به عنوان یکی از کانون‌های اصلی بازتولید تورم و ناپایداری‌های ساختاری در اقتصاد کلان شناخته شده است. الگوی حاکم بر فعالیت بسیاری از مؤسسات اعتباری و بانک‌ها، به ویژه نمونه‌های شاخص ناترازی مالی از جمله بانک آینده و سایر نهادهای مشابه، سال‌ها بر پایه انبساط بی‌رویه تسهیلات، تجمیع دارایی‌های موهوم و منجمد و در نهایت تحمیل کسری‌های ناشی از آن به پایه پولی از مسیر اضافه‌برداشت شکل گرفته بود. با این حال، تحولات تازه در سیاست‌گذاری پولی و آغاز اجرای نسل جدید نظارت‌های احتیاطی نشان می‌دهد که رویکرد ناظر پولی دستخوش دگرگونی بنیادین شده و تمرکز از صرف نظارت بر اجزای دارایی، مستقیماً به ریشه‌یابی و انسداد منابع خلق بدهی معطوف شده است.

عبدالنصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، چارچوب واکنش سیاستی این بانک را در شرایط حساس اقتصادی با هدف اصلی مهار شتاب تورم و تقویت تاب‌آوری اقتصاد کشور اعلام کرد؛ الگویی راهبردی که تنظیم دقیق آن بر پایه مدیریت ذخایر ارزی در دسترس بنا نهاده شده است. اهمیت محوری این سیاست در هوشمندی ابزار انتخابی از سوی نهاد ناظر نهفته است. بانک‌ها با اعطای هر فقره وام و اعتبار تازه، در حقیقت دست به خلق پول جدید در پیکره اقتصاد می‌زنند؛ جرایمی که رشد پرشتاب آن ریشه‌بنیادی نرخ‌های تورمی مزمن در ایران به شمار می‌رود. اعمال سد در برابر

اجرای این بسته سیاستی همواره با یک پارادوکس ساختاری روبه‌رو بوده است. از یک طرف واحدهای تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی با هدف اصلی ادامه حیات در شرایط تورمی به تأمین سرمایه در گردش و وام‌های مستمر وابستگی دارند و از سوی دیگر، انبساط بی‌مهار همان تسهیلات به سوخت اصلی موتور تورم بدل می‌شود. سقف‌گذاری ترازنامه سابقه‌ای مسبوق دارد، اما اکنون آزمون اصلی در تعیین رقم این سقف‌ها، میزان انعطاف‌پذیری هوشمندانه و زمان‌بندی دقیق اجرای آن نهفته است تا تعادل میان مهار قیمت‌ها و تداوم تأمین مالی بخش مولد کشور حفظ شود.

■ **کنترل ترازنامه برای چیست؟**  
کارشناسان ارشد حقوقی و بانکی تأکید می‌کنند که کنترل ترازنامه مؤثرترین ابزار بانک مرکزی برای مهار انبساط نقدینگی، پیشگیری از تعمیق ناترازی و پایدارسازی نظام پولی کشور است. بانک در ماهیت خود نهادی واسطه‌ای است که منابع جامعه را تجهیز کرده و آن را در

یکی دیگر از ارکان تحول، برچیده شدن رویکرد خط‌کشی یکسان برای تمامی بانک‌هاست. تعیین حد مجاز خالص بدهی مشمول اکنون به صورت کاملاً تفکیک‌شده و متناسب با امتیاز عملکردی هر مؤسسه صورت می‌گیرد. بانک سالم و منضبط هرگز نباید در یک سطح با بانک ناتراز و پرریسک سنجیده شود. بانکی با کفایت سرمایه استاندارد، نقدینگی مطمئن و دارایی‌های نقدپذیر، استحقاق برخورداری از ظرفیت اعتباری بالاتری را نسبت به بانکی دارد که از کمبود سرمایه و مطالبات غیرجاری رنج می‌برد. شاخص‌های امتیازدهی شامل سه مؤلفه کلیدی است: سلامت بانکی (رتبه‌بندی CAMELS، نسبت کفایت سرمایه و وضعیت اضافه‌برداشت)، عملکرد اعتباری (نسبت تسهیلات به سپرده‌ها و تمرکززدایی اعتباری به نفع تأمین مالی زنجیره تولید) و در نهایت، کیفیت تعامل و انضباط سامانه‌ای با بانک مرکزی. بر این اساس، کنترل ترازنامه نه مانعی عام در برابر جذب سپرده است و نه ایستگاهی برای

افزایش هزینه حمل‌ونقل، اختلال در مسیرهای صادرات غلات، رشد قیمت کود شیمیایی و تشدید نگرانی‌ها درباره شرایط آب‌وهوایی، چشم‌انداز قیمت مواد غذایی در جهان را تیره‌تر کرده است.

به گزارش مهر، افزایش هزینه حمل‌ونقل، اختلال در مسیرهای صادرات غلات، رشد قیمت کود شیمیایی و تشدید نگرانی‌ها درباره شرایط آب‌وهوایی، چشم‌انداز قیمت مواد غذایی در جهان را تیره‌تر کرده است. رویترز در گزارشی که روز دوشنبه منتشر کرد، هشدار داد که مجموعه این عوامل می‌تواند تورم مواد غذایی را در ماه‌های پایانی سال جاری میلادی تشدید کند و فشار بر مصرف‌کنندگان را تا سال ۲۰۲۷ ادامه دهد.

بر اساس این گزارش، فشار قیمتی دیگر صرفاً به بازار یک یا دو محصول کشاورزی محدود نیست. افزایش قیمت غلات، شکر و روغن خوراکی، در کنار بالا رفتن هزینه تولید و انتقال کالا، بخش‌های مختلف زنجیره تأمین غذا را تحت تأثیر قرار داده است. این شرایط به‌ویژه برای کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط اهمیت دارد؛ زیرا خانوارها در این کشورها سهم بیشتری از درآمد خود را صرف خرید مواد غذایی می‌کنند.

داده‌های سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) نشان می‌دهد شاخص قیمت جهانی مواد غذایی در سپتامبر به ۱۲۶ واحد رسیده که بالاترین سطح از نوامبر ۲۰۲۲ است. همچنین بانک جهانی گزارش کرده است که در سه‌ماهه سوم سال، تورم مواد غذایی در ۲۲ درصد از ۱۵۰ کشور بررسی‌شده از تورم عمومی پیشی گرفته؛ درحالی که این نسبت در سه‌ماهه قبل ۱۴ درصد بود.

■ **اختلال در تجارت غلات و افزایش هزینه تولید**  
یکی از عوامل مهم افزایش قیمت‌ها، اختلال در مسیرهای اصلی تجارت



گروه اقتصاد  
editor@smtnews.ir



با چرخش  
کنترل ترازنامه  
از دارایی به  
بدهی، مسیر  
خلق تورم  
بانک‌های ناتراز  
مسدود شد

رشد هزینه برق، آب، نیروی کار، بسته‌بندی و حمل‌ونقل نیز موافقاند. به همین دلیل، حتی در شرایطی که موجودی برخی کالاها هنوز کافی است، هزینه نهایی تولید و عرضه مواد غذایی می‌تواند افزایش یابد.

■ **آیا موج گرانی در سال آینده هم ادامه خواهد داشت؟**

یکی از نگرانی‌های اصلی، کاهش تدریجی نقش ذخایر جهانی غلات به‌عنوان ضربه‌گیر بازار است. در سال‌های گذشته، برداشت مناسب و موجودی بالای برخی محصولات توانسته بود اثر شوک‌های عرضه را محدود کند؛ اما با افزایش هزینه تولید و اختلال در تجارت، این حاشیه اطمینان تحت فشار قرار گرفته است.

از سوی دیگر، بازگشت واردکنندگان بزرگ به بازار جهانی پس از دوره‌هایی از خرید کمتر، ممکن است تقاضا را افزایش دهد. اگر این تقاضای تازه به عرضه محدود مواجه شود، قیمت‌ها می‌توانند دوباره تحت فشار قرار گیرند. کاهش ارزش پول ملی کشورهای واردکننده نیز هزینه خرید کالاهای جهانی را بیشتر می‌کند.

بر این اساس، تحولات بازار غذا نشان می‌دهد تورم مواد غذایی تنها تابع میزان برداشت محصولات کشاورزی نیست؛ بلکه امنیت مسیرهای تجاری، قیمت انرژی، دسترسی به کود، نرخ ارز و سیاست‌های صادراتی کشورها نیز در تعیین قیمت نهایی نقش دارند.

برای کشورهای واردکننده مواد غذایی، ترکیب این عوامل می‌تواند هزینه تأمین کالاهای اساسی را افزایش دهد و فشار بیشتری بر قدرت خرید خانوارها وارد کند. با این حال، شدت و تداوم افزایش قیمت‌ها به وضعیت برداشت محصولات در ماه‌های آینده، میزان ذخایر و تحولات ژئوپلیتیک وابسته خواهد بود.